

نگاهی تفصیلی بر مبحث حجاب



تحقیق و مطالعه درباره هر موضوعی باید با بررسی مختصات طرف تحقیقی و موضوع کلی که پژوهش در آن انجام می‌شود، صورت بگیرد تا کارکردی علمی داشته باشد. مفاهیم و موضوعات دینی و اخلاقی که خود زیر مجموعه‌ای از علوم انسانی هستند نیز باید با ویژگی‌های تحقیق در علوم انسانی تطابق داشته باشد. برای انجام پژوهش در علوم انسانی لازم است که ابتدا طرح تحقیق انجام گیرد و سوال و مفروضات اصلی حتما مشخص شده باشد که با گستردگی منابع و پراکندگی مطالب بتوان یک اثر علمی را به وجود آورد.

اما این تحقیق به صورت خاص و با محدودیتی که استاد برای گستره بحث تعیین نموده‌اند انجام می‌گیرد بدین صورت که به موضوع حجاب از منظر و نگاه دو کتاب تفسیری ارزشمند خواهد پرداخت که این دو کتاب عبارتند از:

1. تفسیر المیزان اثر جوادانه علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره)

2. تفسیر نمونه اثر آیه الله ناصر مکارم شیرازی

و برای به سامان رساندن این تحقیق با توجه به گستره محدود، باید ترتیب خاصی در نظر گرفته می‌شد که باعث محدودیت در عناوین و سرفصل‌ها می‌گردد تا فقط به موضوعاتی پرداخته شود که در این دو کتاب از آن‌ها ذکری به میان آمده است.

سعی شد که در بررسی عناوین در آیاتی که به صورت مشترک در هر دو کتاب به آن پرداخته شده است به صورت تطبیقی پرداخته شود و موارد اختصاصی نیز به صورت جداگانه آورده شود. اما این نکته باید مدنظر قرار بگیرد که سیاق و روش پرداخت در دو کتاب نسبت به تفسیر آیات، شیوه‌های متفاوت است که این تفاوت می‌تواند در سایه پرداخت تطبیقی روشن گردد. در تفسیر المیزان سعی شده است که آیات به صورت تطبیقی تفسیر شوند و معنای هر آیه با آیات دیگر مورد فهم قرار گیرد و مجموعه کتاب به عنوان یک اثر علمی و تخصصی شناخته می‌شود اما تفسیر نمونه که حاصل کار عده‌ای از اندیشمندان در کنار مولف است، به عنوان تفسیری عام و در دسترس عموم مردم نگاشته شده است تا همه بتوانند از آن بهره بگیرند.

امید است در این اثر، آشنایی اجمالی درباره اصل موضوع یعنی حجاب حاصل گردد و در کنار آن معرفت و شناختی نسبت به این دو کتاب تفسیری ارزشمند نیز ایجاد شود.

1. معنا و معیار حجاب

در تفسیر نمونه بحث گسترده‌ای درباره معنا و مصداق حجاب صورت گرفته است و معیارهای سه گانه‌ای که در ضمن رعایت آن، حجاب به درستی رعایت شده است را ذکر کرده است. این موارد به صورت تکمیلی و تدریجی از حداقل حجاب تا معنای کامل حجاب می‌باشند.

در تفسیر نمونه واژه حجاب این گونه در دو معنای خود تعریف می‌شود:

حجاب هر چند در استعمال های روزمره به معنی پوشش زن به کار می‌رود، ولی در لغت و در تعبیرات فقها چنین مفهومی را ندارد.

حجاب در لغت به معنی چیزی است که در میان دو شیء حائل می‌شود. به همین جهت پرده‌ای که در میان قلب و ریه کشیده شده «حجاب حاجز» نامیده شده است.

در قرآن مجید نیز این کلمه همه جا به معنی پرده یا حائل به کار رفته است، مانند آیه:

جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا: ما در میان تو و کسانی که ایمان به آخرت نمی‌آورند پرده پوشیده‌ای قرار دادیم. (سوره اسراء / 45)

در این آیه نیز می‌خوانیم: حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ: تا موقعی که خورشید در پشت پرده افق پنهان شد. (سوره / ص 32)

و در آیه دیگر: وَ مَا كَانَ لَيْسَتْ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ: برای هیچ انسانی ممکن نیست که خداوند با او سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پشت پرده. (شوری / 51)

در کلمات فقها از قدیم ترین ایام تا کنون نیز در مورد پوشش زنان معمولا کلمه ستر به کار رفته است، و در روایات اسلامی نیز همین تعبیر یا شبیه آن وارد شده است. و به کار رفتن کلمه حجاب در پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده و اگر در تواریخ و روایات پیدا شود، بسیار کم است.

حال به بررسی مفهوم حجاب در معنای دوم که موضوع بحث ما در این مقاله است، خواهیم پرداخت که از منظر تفسیر نمونه بررسی شده است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور / 30)

به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه‌تر است،

خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

در این آیه دو دستور جداگانه ذکر شده است:

الف) این آیه نمی‌گوید مؤمنان باید چشم‌هایشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند، و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر انسان به راستی هنگامی که با زن نامحرمی روبرو می‌شود بخواهد چشم خود را به کلی ببندد ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست، اما اگر نگاه را از صورت واندام او بر گیرد و چشم خود را پائین‌اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه‌ای را که ممنوع است از منطقه دید خود حذف کرده است.

ب) دومین دستور در آیه فوق همان مساله حفظ فروج است که موضوع بحث ما در حجاب است. منظور از حفظ فرج که در روایات وارد شده است پوشانیدن آن از نگاه کردن دیگران است. و به این ترتیب چشم‌چرانی همان گونه که بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام می‌باشد، و پوشانیدن عورت از نگاه دیگران، چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است.

در تفسیر نمونه، معیار سه گانه‌ای نیز برای حجاب ذکر شده است:

1- آنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتا ظاهر است. در اینکه منظور از زینتی که زنان باید آن را بپوشانند و همچنین زینت آشکاری که در اظهار آن مجازند چیست؟ در میان مفسران سخن بسیار است.

بعضی زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته‌اند، در حالی که کلمه زینت به این معنی کمتر اطلاق می‌شود. بعضی دیگر آن را به معنی محل زینت گرفته‌اند، زیرا آشکار کردن خود زینت، مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به تنهایی مانعی ندارد و اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینت‌ها است، یعنی گوشها و گردن و دستها و بازوان. بعضی دیگر آن را به معنی خود زینت آلات گرفته‌اند در حالی که روی بدن قرار گرفته است. زیرا آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد. حق این است که ما آیه را بدون پیش داوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم که ظاهر آن معنی سوم است و بنا بر این زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولا پنهانی است را آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود. به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، زیرا قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است.

در روایات متعددی که از ائمه اهل بیت (ع) نقل شده نیز همین معنی دیده می‌شود که زینت باطن را به گردنبدن و بازوبند تفسیر کرده‌اند. و چون در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر به انگشتر و سرمه و مانند آن تفسیر شده می‌فهمیم که منظور از زینت باطن نیز خود زینت‌هایی است که نهفته و پوشیده است.

2- دومین حکمی که در آیه بیان شده این است که: آنها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیفکنند.

خمر جمع خمار در اصل به معنی پوشش است، ولی معمولا به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند.

جیب، جمع جیب به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد.

از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا گردن و آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد.

3- در سومین حکم مواردی را که زنان می‌توانند در آنجا حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می‌دهد: آنها نباید زینت خود را آشکار سازند مگر در دوازده مورد که در عناوین بعدی به آن موارد خواهیم پرداخت.

استثنائاتی نیز درباره اصل رعایت حجاب برای خود زنان در اینکه چه مقدار باید رعایت کنند و در مورد اینکه برای عده‌ای از حتی زنان هم باید حجاب را داشته باشند وجود دارد که در یکی از

سرفصل‌های همین تحقیق به آن می‌پردازیم.

اما موارد سه گانه‌ای که پرداخت شد به نوعی نشان گر بحث‌های تدریجی در صدر اسلام نیز هست چرا که حکم حجاب به صورت تدریجی و برای اولین بار در مورد همسران پیامبر اسلام (ص) نازل شد و عمومیت یافت و موارد رعایت و لزوم آن نیز به صورت تدریجی اعمال می‌شد تا زمینه پذیرش آن نیز در جامعه بهتر فراهم شود.

نکته مهم در این آیه این است که اسلام نگاهی چند متغیری و کامل به عفت در جامعه دارد و همزمان که از لزوم رعایت حجاب از سوی زنان سخن می‌گوید در همان آیه نیز از مردان می‌خواهد که چشم‌های خود را بپوشانند و سلامت اخلاقی جامعه به هر دو عامل بستگی دارد.

2. فلسفه حجاب

در کتاب تفسیر نمونه در ذیل آیه‌ای که در عنوان اول ذکر شد، به بحث مفصل و جامعی درباره فلسفه شکل‌گیری و اصل حجاب به عنوان یک مسأله فردی - اجتماعی می‌پردازد:

بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذارده‌اند و افراد غریزه، بی بند و باری زنان را جزئی از آزادی او می‌دانند سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و متعلق به زمانهای گذشته است. اما مفاسد بی حساب و مشکلات و گرفتاری‌های روز افزونی که از این آزادی‌های بی قید و شرط به وجود آمده سبب شده که تدریجا گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود.

البته در محیط‌های اسلامی و مذهبی، مخصوصا در محیط ایران بعد از انقلاب جمهوری اسلامی، بسیاری از مسائل حل شده، و به بسیاری از این سوالات عملا پاسخ کافی و قانع کننده داده شده است، ولی باز اهمیت موضوع ایجاب می‌کند که این مسأله به طور گسترده‌تر مورد بحث قرار گیرد.

مسأله این است که آیا زنان باید بهره‌کشی از طریق سمع و بصر و لمس (جز آمیزش جنسی) در اختیار همه مردان باشند و یا باید این امور مخصوص همسرانشان گردد.

بحث در این است که آیا زنان در یک مسابقه بی پایان در نشان دادن اندام خود و تحریک شهوات و هوس‌های آلوده مردان درگیر باشند و یا باید این مسائل از محیط اجتماع بر چیده شود، و به محیط خانواده و زندگی زن‌شویی اختصاص یابد؟! اسلام طرفدار برنامه دوم است و حجاب جزئی از این برنامه محسوب می‌شود، در حالی که غربی‌ها و غرب زده‌ها طرفدار برنامه اول‌اند.

اسلام می‌گوید کامیابی‌های جنسی اعم از آمیزش و لذت‌گیری‌های سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه، و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می‌باشد.

فلسفه حجاب چیز مکتوم و پنهانی نیست زیرا:

1- برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش و عشوه‌گری و امثال آن همراه دارد مردان مخصوصا جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد. تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌گردد. مگر اعصاب انسان چقدر می‌تواند بار هیجان را بر خود حمل کند؟ مگر همه پزشکان روانی نمی‌گویند هیجان مستمر عامل بیماری است؟ مخصوصا توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده. آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله‌ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟

اسلام می‌خواهد مردان و زنان مسلمان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند، و این یکی از فلسفه‌های حجاب است.

2- آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش برهنگی در جهان طلاق و از هم گسیختگی زندگی زن‌شویی در دنیا به طور مداوم بالا رفته است، چرا که هر چه دیده بیند دل کند یاد. و هر چه دل در اینجا یعنی هوس‌های سرکش بخواهد به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود، و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید. اما در محیطی که حجاب است، دو همسر تعلق به یکدیگر دارند و احساساتشان و عشق و عواطفشان مخصوص یکدیگر است.

در بازار آزاد برهنگی که عملا زنان به صورت کالای مشترکی در آمده‌اند دیگر قداست پیمان زن‌شویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می‌شوند و کودکان بی‌سرپرست می‌مانند.

3- گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی است که فکر می‌کنیم نیازی به ارقام و آمار ندارد و دلایل آن مخصوصا در جوامع غربی کاملا نمایان است، آن قدر عیان است که حاجتی به بیان ندارد.

نمی‌گوییم عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع منحصر بی‌حجابی است بلکه می‌گوییم یکی از عوامل مؤثر آن مسأله برهنگی و بی‌حجابی محسوب می‌شود.

و با توجه به اینکه فحشاء و از آن بدتر فرزندان نامشروع سرچشمه انواع جنایت‌ها در جوامع انسانی بوده و هستند، ابعاد خطرناک این مسأله روشن‌تر می‌شود.

هنگامی که می‌شنویم در انگلستان، در هر سال پانصد هزار نوزاد نامشروع به دنیا می‌آید، و هنگامی که می‌شنویم جمعی از دانشمندان انگلیس در این رابطه به مقامات آن کشور اعلام خطر کرده‌اند به خاطر خطراتی که فرزندان نامشروع برای امنیت جامعه به وجود آورده‌اند، به اهمیت این مسأله کاملا پی می‌بریم و می‌دانیم که مسأله گسترش فحشا حتی برای آنها اهمیت کمی برای مذهب و

برنامه های اخلاقی قائل‌اند فاجعه آفرین است، بنا بر این هر چیز که دامنه فساد جنسی را در جوامع انسانی گسترده‌تر سازد تهدیدی برای امنیت جامعه ها محسوب می‌شود.

مطالعات دانشمندان تربیتی نیز نشان داده، مدرسی که در آن دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، و مراکزی که مرد و زن در آن کار می‌کنند و بی بند و باری در آمیزش آنها حکم فرما است، کم کاری، عقب افتادگی، و عدم مسئولیت به خوبی مشاهده شده است.

4- مساله ابتذال زن و سقوط شخصیت او در این میان نیز حائز اهمیت فراوان است که نیازی به ارقام و آمار ندارد. هنگامی که جامعه زن را باندام برهنه بخواهد، طبیعی است روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون تر از او دارد. هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسی اش وسیله تبلیغ کالاها و عاملی برای جلب جهانگردان و مانند اینها قرار بدهند، در چنین جامعه‌ای شخصیت زن تا سر حد یک عروسک یا یک کالای بی ارزش سقوط می‌کند و ارزش های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می‌شود و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خودنمایی اش می‌شود. در چنین جامعه‌ای چگونه یک زن می‌تواند با ویژگی های اخلاقی اش و علم و آگاهی جلوه کند؟ به راستی درد آور است که در کشورهای غربی و در کشور ما قبل از انقلاب اسلامی، بیشترین اسم و شهرت و آوازه و پول و در آمد و موقعیت برای زنان آلوده و بی بند و باری بود که به نام هنرمند و هنر پیشه، معروف شده بودند و هر جا قدم می‌نهادند گردانندگان این محیط آلوده برای آنها سر و دست می‌شکستند و قدمشان را خیر مقدم می‌دانستند. شکر خدا را که زن از صورت ابتذال سابق و موقعیت یک عروسک کالای بی ارزش در آمد و شخصیت خود را باز یافت. حجاب بر خود پوشید اما بی آنکه منزوی شود و در تمام صحنه‌های مفید و سازنده اجتماعی حتی در صحنه جنگ با همان حجاب اسلامی ظاهر شد.

علامه طباطبایی نیز با ذکر روایتی به بیان این مطلب می‌پردازد که نقش چشم پوشی از سوی مردان و رعایت حجاب از سوی زنان می‌تواند جامعه را از خطرات برهاند:

در کافی به سند خود از سعد الاسکاف از ابی جعفر (ع) روایت کرده که فرمود: جوانی از انصار در کوچه‌های مدینه به زنی برخورد که می‌آمد- و در آن ایام زنان مقنعه خود را پشت گوش می‌انداختند- وقتی زن از او گذشت او را تعقیب کرد، و از پشت او را می‌نگریست، تا داخل کوچه تنگی که امام آن را زقه بنی فلان نامید، شد، و در آنجا استخوان و یا شیشه‌ای که در دیوار بود به صورت مرد گیر کرده آن را بشکافت، همین که زن از نظرش غایب شد متوجه گردید که خون به سینه و لباسش می‌ریزد، با خود گفت: به خدا سوگند نزد رسول خدا (ص) می‌شوم و جریان را به او خبر می‌دهم. سپس فرمود: جوان نزد آن جناب شد و رسول خدا (ص) چون او را بدید پرسید چه شده؟ جوان جریان را گفت پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذٰلِكَ اَرٰكِي لَّهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ.

از این روایت این گونه برداشت صورت گرفته است که رعایت حجاب از سوی زنان به همراه رعایت تقوا از سوی مردان، هر دو برای سلامت جامعه امری ضروری و لازم است تا در سایه رعایت آن داستان‌هایی نظیر آن چه در حدیث آمده است رخ ندهد.

3. حجاب، عامل بازدارنده

این عنوان و سرفصل می‌تواند به نوعی بازگو کننده فلسفه حجاب نیز باشد. اما با توجه به اهمیت ویژه‌ای که در جامعه امروزی ما دارد ترجیح دادم در عنوان مستقلی پرداخته شود.

بی شک این عنوان می‌تواند خود پاسخی بر شبهاتی باشد که امروز در جامعه بسیار شنیده می‌شود که حجاب را تا حد یک حکم فرعی و فردی پایین می‌آورند. فردی شدن حجاب لوازمی در پی دارد که می‌تواند نشان دهنده نیات طراحان نیز باشد. وقتی حجاب را فردی کردیم می‌توانیم بگوییم که همه در اختیار امور فردی خود آزاد هستند و اصل حجاب نیز اصلی آزادانه و اختیاری است. اما در این فصل می‌کوشیم نشان دهیم که حجاب به عنوان مساله‌ای اجتماعی مطرح است و وقتی حق جامعه در میان باشد نمی‌توان به بهانه آزادی‌های فردی، حجاب را فراموش کرد.

در این بخش، با بررسی در هر دو کتاب تفسیری نمونه و المیزان به صورت تطبیقی بحث را پی خواهیم گرفت:

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذٰلِكَ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللّٰهُ عَاقِبًا رَحِيْمًا (احزاب / 59)

ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلابیبا (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و خداوند همواره غفور و رحیم است.

مفاسد اجتماعی چون غالباً تک علتی نیست باید مبارزه با آن را از همه جوانب شروع کرد، و جالب اینکه در این آیات، برای جلوگیری از مزاحمت های افراد هرزه، نخست به زنان بایمان دستور می‌دهد که بهانه‌ای به دست آنها ندهند، سپس مزاحمین را با شدیدترین تهدید بر سر جای خود می‌نشانند و توجه اسلام را به بازدارندگی نشان می‌دهد.

برای اینکه تصور نشود که اسلام تنها به برنامه مجازات گنهکار قناعت می‌کند به یکی از مهم ترین راه های پیشگیری از آلودگی های جنسی پرداخته، مساله نهی از چشم‌چرانی مردان نسبت به زنان و زنان نسبت به مردان و موضوع حجاب زنان مسلمان را پیش کشیده و مشروحا در این زمینه بحث می‌کند، چرا که یکی از عوامل مهم انحرافات جنسی این دو مساله چشم‌چرانی و بی حجابی است، و تا آنها ریشه کن نشوند آلودگی‌ها بر طرف نخواهد شد.

در تفسیر علی بن ابراهیم در شان نزول این آیه چنین آمده است: آن ایام زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر(ص) نماز می‌گذاشتند، هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشا می‌رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند. آیه فوق نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را بطور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند.

به دنبال نهی از ایذا رسول خدا (ص) و مؤمنان در آیات قرآن، در اینجا روی یکی از موارد ایذاء تکیه کرده و برای پیشگیری از آن دو طریق اقدام می‌کند:

نخست به زنان بایمان دستور می‌دهد که هر گونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده‌جویان بگیرند، سپس با شدیدترین تهدیدی که در آیات قرآن کم نظیر است منافقان و مزاحمان و شایعه‌پراکنان را مورد حمله قرار می‌دهد.

در قسمت اول می‌گوید: ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو روسری های بلند خود را بر خویش فرو افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند: يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذٰلِكَ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ.

منظور از شناخته شدن چیست؟ دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند:

نخست اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند، و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می‌شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند.

بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند.

دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار و بی اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی بند و بار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی‌پروا و لاپروایی هستند که غالباً قسمت هایی از بدن های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می‌کند.

علامه طباطبایی نیز در کتاب المیزان در ذیل همین آیه، به صورتی دیگر به یکی از فلسفه‌های وجوب حجاب که در عین حال از موارد بازدارنده خواهد بود خواهد پرداخت و بیان می‌کند که حجاب

یکی از راه‌های تشخیص بین مسلمین و غیر مسلمین است و اصل حجاب تبلیغی برای اسلام و نشان دادن اهداف متعالی اسلام است:

کلمه جلابیب جمع جلاباب است: و آن جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود، و منظور از جمله پیش بکشند مقداری از جلاباب خود را، این است که آن را طوری ببوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد.

پوشاندن همه بدن به شناخته شدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند نزدیک‌تر است. در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند، یعنی اهل فسق و فجور

متعرض آنان نمی‌گردند.

بعضی از مفسرین در معنای آن گفته‌اند: این پوشیدگی، نزدیک‌تر بودن ایشان به مسلمان بودن و آزاد بودن را می‌شناساند، چون زنان غیر مسلمان، و نیز کنیزان در آن دوره حجاب نداشتند، و حجاب علامت زنان مسلمان بود، و در نتیجه کسی متعرض آنان نمی‌شد، و حتی کسی نمی‌پنداشت که ایشان کنیز و یا غیر مسلمانند، و از ملت یهود و نصاری هستند لیکن معنای اول به ذهن نزدیک‌تر است.

... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور / 31)

آنها هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

• ممنوعیت عوامل تحریک کننده

در آخر آیه فوق آمده است که نباید زنان به هنگام راه رفتن پاهای خود را چنان به زمین کوبند تا

صدای خلخالایشان به گوش رسد! این امر نشان می‌دهد که اسلام به اندازه‌ای در مسائل مربوط به

عفت عمومی سختگیر و مو شکاف است که حتی اجازه چنین کاری را نیز نمی‌دهد، و البته به طریق اولی عوامل مختلفی را که دامن به آتش شهوت جوانان می‌زند مانند نشر عکسهای تحریک آمیز و فیلمهای اغوا کننده و رمانها و داستانهای جنسی را نخواهد داد، و بدون شک محیط اسلامی باید از اینگونه مسائل که مشتریان را به مراکز فساد سوق می‌دهد و پسران و دختران جوان را به آلودگی و فساد می‌کشاند پاک و میرا باشد.

4. شبهات درباره حجاب و پاسخ به آن

استاد مکارم شیرازی در تفسیر نمونه در طی بحث‌های تفسیر خود، این عنوان را مطرح نموده‌اند و با توجه به آیات دیگر و روایات متعددی که وجود دارد به بررسی چندین شبهه در باب حجاب می‌پردازند و پاسخ‌هایی ارائه می‌کنند که می‌تواند بسیار مفید باشد.

در اینجا به ایرادهایی که مخالفان حجاب مطرح می‌کنند که به طور فشرده اشاره می‌شود:

1- مهمترین چیزی که همه آنان در آن متفقند و به عنوان یک ایراد اساسی بر مساله حجاب ذکر می‌کنند این است که زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند اما حجاب سبب انزوای این جمعیت عظیم می‌گردد، و طبعاً آنها را از نظر فکری و فرهنگی به عقب می‌راند، مخصوصاً در دوران شکوفایی اقتصادی که احتیاج زیادی به نیروی فعال انسانی است از نیروی زنان در حرکت اقتصادی هیچگونه بهره‌گیری نخواهد شد، و جای آنها در مراکز فرهنگی و اجتماعی نیز خالی است، به این ترتیب آنها به صورت یک موجود مصرف کننده و سربار اجتماع در می‌آیند.

پاسخ: آنها که به این منطق متوسل می‌شوند از چند امر به کلی غافل شده یا تغافل کرده‌اند:

اولاً: چه کسی گفته است که حجاب اسلامی زن را منزوی می‌کند، و از صحنه اجتماع دور می‌سازد؟ اگر در گذشته لازم بود ما زحمت استدلال در این موضوع را بر خود هموار کنیم امروز بعد از انقلاب اسلامی هیچ نیازی به استدلال نیست، زیرا با چشم خود گروه گروه زنانی را می‌بینیم که با داشتن حجاب اسلامی در همه جا حاضرند، در اداره‌ها، کارگاه‌ها، راهپیمایی‌ها و تظاهرات سیاسی، رادیو و تلویزیون، بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی، و در مراقبت‌های پزشکی برای مجروحین جنگی، در فرهنگ و دانشگاه و بالاخره در صحنه جنگ و پیکار با دشمن.

کوتاه سخن اینکه وضع موجود پاسخ دندان شکنی است برای همه این ایرادها و اگر ما در سابق سخن از امکان چنین وضعی می‌گفتیم امروز در برابر وقوع آن قرار گرفته‌ایم و فلاسفه گفته‌اند بهترین دلیل بر امکان چیزی وقوع آن است و این عیان است که نیاز به بیان ندارد.

ثانیاً: از این که بگذریم آیا اداره خانه و تربیت فرزندان برومند و ساختن انسان‌هایی که در آینده بتوانند با زواری توانای خویش چرخ‌های عظیم جامعه را به حرکت در آورند کار نیست؟

آنها که این رسالت عظیم زن را کار مثبت محسوب نمی‌کنند از نقش خانواده و تربیت، در ساختن یک اجتماع سالم و آباد و پر حرکت بی‌خبرند، آنها گمان می‌کنند راه این است که زن و مرد ما همانند زنان و مردان غربی اول صبح خانه را به قصد ادارات و کارخانه‌ها و مانند آن ترک کنند، و بچه‌های خود را به شیر- خوارگاه‌ها بپارند، و یا در اطاق بگذارند و در را بر روی آنها ببندند، و طعم تلخ زندان را از همان زمان که غنچه ناشکفته‌ای هستند به آنها بچشانند.

غافل از اینکه با این عمل شخصیت آنها را در هم می‌کوبند و کودکانی بی روح و فاقد عواطف انسانی بار می‌آورند که آینده جامعه را به خطر خواهند انداخت.

2- اشکال دیگری که آنها دارند این است که حجاب یک لباس دست و پاگیر است و با فعالیتهای اجتماعی مخصوصاً در عصر ماشین‌های مدرن سازگار نیست، یک زن حجاب دار خودش را حفظ کند یا چادرش را و یا کودک و یا برنامه‌اش را؟!

پاسخ: این ایراد کنندگان از یک نکته غافلند و آن اینکه حجاب همیشه به معنی چادر نیست، بلکه به معنی پوشش زن است، حال آنجا که با چادر امکان پذیر است چه بهتر و آنجا که امکان آن نیست، به پوشش قناعت می‌شود.

زنان کشاورز و روستایی ما، مخصوصاً زنانی که در برنج زارها مهمترین و مشکل‌ترین کار کشت و برداشت محصول برنج را بر عهده دارند عملاً به این پندارها پاسخ گفته‌اند و نشان داده‌اند که یک زن روستایی با داشتن حجاب اسلامی در بسیاری از موارد حتی بیشتر و بهتر از مرد کار می‌کند بدون آنکه حجابش مانع کارش شود.

3- ایراد دیگر اینکه آنها می‌گویند حجاب از این نظر که میان زنان و مردان فاصله می‌افکند طبع حریص مردان را آزمندتر می‌کند، و به جای اینکه خاموش کننده باشد آتش حرص آنها را شعله‌ورتر می‌سازد که الانسان حریص علی ما منع!

پاسخ: این ایراد یا صحیح تر سفسطه و مغلطه را مقایسه جامعه امروز ما که حجاب در آن تقریباً در همه مراکز بدون استثناء حکمفرما است با دوران رژیم طاغوت که زنان را مجبور به کشف حجاب می‌کردند می‌دهد. آن روز هر کوی و بر زن مرکز فساد بود، در خانواده‌ها بی بند و باری عجیبی حکم فرما بود، آمار طلاق فوق العاده زیاد بود، سطح تولد فرزندان نامشروع بالا بود و...

نمی‌گوئیم امروز همه اینها ریشه کن شده اما بدون شک بسیار کاهش یافته و جامعه ما از این نظر سلامت خود را باز یافته، و اگر به خواست خدا وضع به همین صورت ادامه یابد و سایر نابسامانیها نیز سامان پیدا کند، جامعه ما از نظر پاک‌ی خانواده‌ها و حفظ ارزش زن به مرحله مطلوب خواهد رسید.

5. استثنائات در رعایت حجاب

در این فصل با توجه به موارد متعددی که در هر دو کتاب درباره این عنوان وجود داشت صلاح دیده شد که در یک بخش جداگانه با آن پرداخته شود. در ضمن این بحث به مواردی که رعایت حجاب لازم هست و لازم نیست و تا چه حدی لازم است، نیز اشاره خواهد شد:

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ لِيَعْلَمَنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِحُجْرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِيَعْلَمَنَّ أَزْوَاجَهُنَّ أَوْ آبَاءَهُنَّ أَوْ أَبْنَاءَهُنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور / 31)

و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود. و همگی به سوی

خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

در این آیه همزمان دو استثنای کلی بیان شده است:

یکی برای خود زنان در اینکه تا کجای بدن و دست و موی خود را بپوشانند؟

دوم اینکه برای چه کسانی حجاب بگیرند و برای چه کسانی لزومی ندارد؟

الف) استثناء وجه و کفین

در این که آیا حکم حجاب صورت و دست‌ها حتی از مچ به پایین را نیز شامل می‌شود یا نه، در میان فقها بحث فراوان است، بسیاری عقیده دارند که پوشاندن این دو (وجه و کفین) از حکم حجاب مستثنی است، در حالی که جمعی فتوا به وجوب پوشاندن داده، یا حداقل احتیاط می‌کنند، البته آن دسته که پوشاندن این دو را واجب نمی‌دانند نیز آن را مقید به صورتی می‌کنند که منشا فساد و انحرافی نگردد، و گر نه واجب است.

همان گونه که در شان نزول نیز گفته‌ایم عرب‌ها در آن زمان روسری و مقنعه‌ای می‌پوشیدند که دنباله آن را روی شانه‌ها و پشت سر می‌انداختند به طوری که مقنعه پشت گوش آنها قرار می‌گرفت و تنها سر و پشت گردن را می‌پوشاند، ولی قسمت زیر گلو و کمی از سینه که بالای گریبان قرار داشت نمایان بود. اسلام آمد و این وضع را اصلاح کرد و دستور داد دنباله مقنعه را از پشت گوش یا پشت سر جلو بیاورند و به روی گریبان و سینه بیندازند و نتیجه آن این بود که تنها گردی صورت باقی می‌ماند و بقیه پوشانده می‌شد. ولی باز تاکید و تکرار می‌کنیم که این حکم در صورتی است که سبب سوء استفاده و انحراف نگردد. ذکر این نکته نیز لازم است که استثناء وجه و کفین از حکم حجاب مفهومش این نیست که جائز است دیگران عمدا نگاه کنند، بلکه در واقع این یک نوع تسهیل برای زنان در امر زندگی است.

ب) لزوم رعایت حجاب زنان برای زنان غیر مسلمان

نهمین گروهی که مستثنی شده‌اند و زن حق دارد زینت باطن خود را در برابر آنها آشکار کند زنان هستند، منتهی با توجه به تعبیر نساہم (زنان خودشان) چنین استفاده می‌شود که زن‌های مسلمان تنها می‌توانند در برابر زنان مسلمان حجاب را برگیرند، ولی در برابر زنان غیر مسلمان باید با حجاب اسلامی باشند و فلسفه این موضوع چنان که در روایات آمده این است که ممکن است آنها بروند آنچه را دیده‌اند برای همسرانشان توصیف کنند و این برای زنان مسلمانان صحیح نیست.

ج) حجاب در برابر اطفال

وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (نور/ 59)

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همانگونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می‌گرفتند، اینچنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است.

دوازدهمین گروهی که حجاب در برابر آنها واجب نیست، اطفالی هستند که از شهوت جنسی هنوز بهره‌ای ندارند. منظور اطفالی است که بر اثر عدم احساس جنسی نه توانایی دارند و نه آگاهی.

بنا بر این اطفالی که به سنی رسیده‌اند که این تمایل و توانایی در آنها بیدار شده باید بانوان مسلمان حجاب را در برابر آنها رعایت کنند.

د) عدم لزوم حجاب در سالخورده‌گان

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ

جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ

لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (60)

و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آنها نیست که لباس های خود را بر زمین بگذارند به شرط اینکه در برابر مردم خود آرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آنها بهتر است. و خداوند شنوا و دانا است.

در این آیه مورد استثنایی برای حکم حجاب زنان بیان می‌کند و زنان پیر و سالخورده را از این حکم مستثنی می‌شمرد. در واقع برای این استثناء دو شرط وجود دارد:

نخست اینکه به سن و سالی برسند که معمولا امیدی به ازدواج ندارند، و به تعبیر دیگر جاذبه جنسی را کاملا از دست داده‌اند. دیگر اینکه در حال بر داشتن حجاب خود را زینت ننمایند.

روشن است که با این دو قید مفاسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام این حکم را از آنان برداشته است. این نکته نیز روشن است که منظور برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس‌ها نیست بلکه تنها کنار گذاشتن لباسهای رو است که بعضی روایات از آن تعبیر به چادر و روسری کرده است. از آنجا که ممکن است بعضی از زنان سالخورده از این آزادی مشروع سوء استفاده کنند، و احیانا با مردان به گفتگوهای نامناسب بپردازند و یا طرفین در دل افکار آلوده‌ای داشته باشند در آخر آیه به عنوان یک اخطار می‌فرماید: خداوند شنوا و دانا است.

علامه طباطبایی نیز در ذیل همین آیه می‌فرماید:

این آیه در معنای استثنایی است از عموم حکم حجاب، و معنایش این است که هر زنی حجاب واجب است الا زنان مسن، که می‌توانند بی حجاب باشند، البته در صورتی که کرشمه و تبرج نداشته باشند. و جمله وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ کنایه است از خودپوشی، یعنی همین زنان سالخورده نیز اگر خود را بپوشانند بهتر از برهنه بودن است، و جمله وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ تعلیل حکمی است که تشریح کرده، و معنایش این است که خدا شنوا است آنچه را که زنان به فطرت خود در خواستش را دارند، و دانا است به احکامی که به آن محتاجند.

سید حسین میرخلیلی